

نوع مقاله: ترویجی

## بررسی تحلیلی گسترش و تثبیت کلیسای کاتولیک در آمریکای لاتین (۱۵۵۱-۱۶۲۰م)

سیدمحمد رضا میریوسفی / دکترای ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

abasehosyen@yahoo.com  [orcid.org/0009-0004-3374-9680](https://orcid.org/0009-0004-3374-9680)

سیدحسین حسینی امینی / دانش‌آموخته حوزه علمیه قم

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

### چکیده

آمریکای لاتین پرجمعیت‌ترین منطقه مسیحی‌نشین دنیاست. ضرورت‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی اقتضا می‌کند که مسیحیت آمریکای لاتین شناخته شود. حیات اجتماعی در آمریکای لاتین قبل از ورود مسیحیت، هزاران سال سابقه تاریخی داشته است. تمدن‌های بزرگی مانند المکها و ایستکها قبل از میلاد مسیح در این مناطق شکل گرفته‌اند. مسیحیت در قرن ۱۵ با ورود فاتحان وارد منطقه آمریکای لاتین شد. مسیحیت کاتولیک از آغاز ورود تا به امروز دوره‌های مختلف (ورود و مسیحی‌سازی، تثبیت و تضعیف) را پشت‌سر گذاشته است. ما در این تحقیق به مسئله تحلیل عوامل تثبیت مسیحیت کاتولیک در آمریکای لاتین می‌پردازیم. نقش عوامل مستقیمی مانند فرقه‌های رهبانی و اجلاس‌های اسقفی و عوامل غیرمستقیمی چون پادشاهان کاتولیک و پاپ‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌ای و با استفاده از اسناد نوشتاری انجام شده است و روش داده‌پردازی اطاعات توصیفی و تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: مسیحیت، کلیسای کاتولیک، کاتولیک اسپانیایی، کاتولیک آمریکای لاتین، آمریکای لاتین.

## مقدمه

با عنوان «تاریخ کلیسای کاتولیک در آمریکای لاتین و فیلیپین» (la historia de la iglesia en Hispanoamérica y filipinas) با اشراف «پرو بورخس» چاپ شده است. اثر معروف دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، کتاب «تاریخ عمومی کلیسا در آمریکای لاتین» نوشته کشیش الهیات رهایی‌بخش، «تریک دوسل» است که به صورت مفصل به این مسئله پرداخته است.

### تثبیت و سازمان یافتن کلیسای کاتولیک (۱۵۵۱-۱۷۰۰م)

در این دوره، کلیسای کاتولیک به صورت یک نهاد ساختارمند در مناطق مکزیک و پرو شکل گرفت (دوسل، ۱۴۹۲-۱۹۹۲م، ص ۱۰۲-۱۰۹). جوامع مسیحی بومی پیرامون کلیسای کاتولیک هویت خود را شکل دادند. عوامل متعددی در توسعه و تثبیت کلیسای کاتولیک در این دوره نقش داشت. برای رسیدن به یک فهم دقیق از ریشه‌ها و عوامل تثبیت مسیحیت کاتولیک سعی کردیم عوامل را به دو دسته عوامل مستقیم و عوامل غیرمستقیم تقسیم کنیم. در عوامل مستقیم نقش مبلغان، تشکیل شوراها، اسقفی و فعالیت‌های گروه‌های رهبانی بررسی می‌شود و در بخش عوامل غیرمستقیم نقش پادشاهان و پاپ کاتولیک مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

#### عوامل مستقیم در گسترش و تثبیت کلیسای کاتولیک

۱. **مبلغان و فرقه‌های رهبانی:** طبق دیدگاه *نریکه دوسل* در کتاب *تاریخ کلیسا در آمریکای لاتین*، در سفر اول کریستف کلمب در ۱۴۹۲م، هیچ کشیشی او را همراهی نکرد، اما در دومین سفر او که در سال ۱۴۹۳م انجام شد، *اسقف بندیکتینی* با گروهی از مبلغان به حکم پاپ *la bula) piis fide- lium* وارد این منطقه شد (باسکوچه، ۲۰۱۱م، ص ۲۴۴-۲۴۶). با تشکیل شورای اداره مستعمرات در سال ۱۵۲۴م، شمار مبلغان در مناطق فتح‌شده افزایش یافت (دوسل، ۱۹۹۲، ص ۹۱-۹۳). این شورا از پادشاه درخواست کرد که مجوز اعزام مبلغان را صادر کند. بنابر آمارها در اسپانیا در سال ۱۵۹۸م پنج هزار مبلغ و راهب در این مناطق فعالیت داشتند (همان، ص ۵۳۸). مبلغان یا به صورت مستقیم از طریق پادشاه اسپانیا به نام «کشیش دربار» به این

آمریکای لاتین (América Latín) بیش از یک میلیارد جمعیت دارد که پرجمعیت‌ترین منطقه مسیحی‌نشین دنیاست. ۹۰٪ جمعیت آن را مسیحیان تشکیل داده‌اند. مسیحیت ۵۰۰ سال سابقه حضور در این قاره دارد. آمریکای لاتین به مناطق اسپانیولی زبان این قاره، «آمریکای لاتین» می‌گویند که شامل ۳۰ کشور می‌شود. بیشترین مسیحیان آمریکای لاتین کاتولیک هستند (دوسل، ۱۹۹۲م، ص ۲۰). دوره‌های حیات مسیحیت کاتولیک در آمریکای لاتین را می‌توان به سه دوره ورود مسیحیت به آمریکای لاتین و مسیحی‌سازی بومیان، دوره تثبیت مسیحیت کاتولیک و نیز دوره تضعیف مسیحیت کاتولیک تقسیم کرد (دوسل، ۱۹۹۲م، ص ۲۴). مسیحیت بعد از ورودش در قرن ۱۵ توانست بعد از چند دهه بر اکثر مناطق آمریکای لاتین حاکم شود؛ این در حالی بود که تمدن‌های بومی منطقه آمریکای لاتین، تاریخی چند هزار ساله داشتند. علی‌رغم تفسیر غلطی که برخی از تاریخ‌نویسان اروپایی از آمریکای لاتین ارائه دادند، این منطقه مهد تمدن‌های بزرگ و پیشرفته‌ای بوده است (پابلو اربرتو، ۱۹۹۲م، ص ۵۰). مذهب، هنر، معماری و صنعت، شاخصه مشترک این تمدن‌های بومی بوده است. سنت‌ها و باورهای بومی در حیات اجتماعی آنها نهادینه شده است. سؤالات تحقیق در این پژوهش این است که گسترش و تثبیت مسیحیت کاتولیک از اسپانیا به آمریکای لاتین چگونه اتفاق افتاد؟ و چه علل و عواملی باعث گسترش و تثبیت مسیحیت شد؟

با توجه به جدیدالمد بودن زبان اسپانیایی برای محققان ادیان، مطالعات ادیانی به صورت عام و مطالعات مسیحیت کاتولیک در آمریکای لاتین به صورت خاص مورد توجه قرار نگرفته است. به همین سبب منابع پژوهشی فارسی در این زمینه بسیار محدود است و به این عنوان، هیچ مقاله و یا کتابی به زبان فارسی منتشر نشده است. البته در برخی از آثار فارسی که در زمینه آمریکای لاتین نوشته شده، به صورت ضمنی به این دوره اشاره شده است.

کتاب‌های زیادی توسط تاریخ‌نگاران برجسته آمریکای لاتین به زبان اسپانیولی و پرتغالی در حوزه تاریخ کلیسای کاتولیک و تاریخ آمریکای لاتین نوشته شده که برخی از آنها به زبان فرانسوی و انگلیسی ترجمه شده‌اند. از جمله آنها مجموعه مقالات استادان تاریخ آمریکای لاتین در دانشگاه‌های اسپانیا درباره تاریخ کلیسا در آمریکای لاتین در سال ۱۹۹۱م

آنها اولین فرقه رهبانی بودند که در ۱۵۰۰م وارد جزیره کوبا شدند. در ۱۵۰۵م نخستین مرکز فرانسیسکن به نام «صلیب مقدس» ایجاد کردند و به صورت رسمی در ۱۵۰۷م فعالیت خود را آغاز کردند. آنها فعالیت‌های تبلیغی خود را از ۱۵۱۰م در برزیل آغاز کرده و رسمیت دادند. در سال ۱۵۱۵م به همراه فاتحان وارد مکزیک شدند و یک گروه ۱۲ نفره با همکاری راهب فرانسیسکن «خوان دیکودو» (Juan de Quevedo) تبلیغ خود را در بین سرخ‌پوستان آزتک در مکزیک آغاز کردند. گروه‌های رهبانی فرانسیسکن‌ها در ۱۵۳۴م فعالیت تبلیغی خود را در پرو توسعه دادند. آنها ویژگی‌های ممتازی داشتند که منشأ موفقیت آنها در مسیحی‌سازی و تثبیت کلیسا در آمریکای لاتین شد. برخی از شاخصه‌های اصلی فرانسیسکن‌ها عبارت‌اند از:

الف) حضور حداکثری مبلغان: این فرقه در دوران حضور خود در مناطق لاتین بیشترین مبلغ را در بین فرقه‌ها داشته است. در زمان استقلال آمریکای لاتین نیمی از راهبان این مناطق را فرانسیسکن‌ها تشکیل می‌دادند و جمعیتی بالغ بر ۶۰۰۰ نفر داشتند. علت فزونی راهبان فرانسیسکن به نوع اتخاذ رویکرد آنها نسبت به سیاست و حکومت برمی‌گردد. فرانسیسکن‌ها با فروتنی و زهدی که داشتند همیشه خود را نسبت به شرایط سیاسی و اجتماعی سازگار می‌کردند و از سیاست‌های حکومت و پادشاهی اسپانیا در این مناطق استقبال می‌کردند و یا بی‌طرف بودند (همان، ص ۵۵۳). این نوع رویکرد از یک طرف موجب حمایت حداکثری پادشاه اسپانیا از فرانسیسکن‌ها شد و از طرف دیگر زمینه رشد و فراگیری این فرقه رهبانی در مناطق فتح‌شده را به وجود آورد. *توریویو د بناتوته* (Montolinia Toribio de Benavente 1482-1569) و دیگر مبلغان فرانسیسکنی بر خلاف مبلغان دومینیکن «که مخالف گسترش فتوحات در آمریکای لاتین بودند» معتقد بودند مسیحی‌سازی آمریکای لاتین لطفی از طرف خداوند و زمینه نجات سرخ‌پوستان را فراهم می‌کند. با همین منطق، رفتارهای خشونت‌آمیز فاتحان اسپانیایی را توجیه انسانی و الهیاتی می‌کردند. او می‌گوید:

«باید انجیل مقدس در همه این سرزمین‌ها تبلیغ شود و کسانی که نخواهند با زبان خوش انجیل مقدس عیسی مسیح را گوش دهند، باید به آنها گفت: حرف با زور بهتر از شنیدن سخن باطل با میل و رغبت است» (اکون، ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۱۷۷)؛

مناطق اعزام می‌شدند؛ یا از طریق بعضی فرقه‌های رهبانی و با هماهنگی حکومت، راهی این مناطق می‌شدند (همان، ص ۱۰۵).

فرقه‌های متعدد مسیحی در مسیحی‌سازی آمریکای لاتین نقش داشتند. برخی از فرقه‌های رهبانی تأثیرگذار در مسیحی‌سازی بومیان سرخپوست عبارت‌اند از: «دومینیکن» (dominicano)، «آگوستینی» (agustiniano)، «مرسداریو» (mercedario)، «ژزوئیت» (jesuitas)، «بندیکتی» (benedictino) «فرانسیسکن» (Franciscan). فرقه‌ها علاوه بر تعهدات اختصاصی، از یک تعهدات رهبانی مشترک پیروی می‌کردند. فقر و زهد، عزوبت (چارلس وارن، ۲۰۰۳م، ص ۳۱)، تعبد نسبت به مقام پاپی (کندیدو، ۱۹۹۱م، ص ۴۴۵) و تبعیت از قوانین نظارتی پادشاه اسپانیا از مهم‌ترین تعهدات مشترک بین همه فرقه‌های مورد تأیید پاپ بود (دوسل، ۱۹۹۲م، ص ۵۳۸-۵۳۷).

بنابر آمار دربار اسپانیا (همان، ص ۵۳۸) در بازه زمانی ۱۵۴۲-۱۵۹۸م، ۲۲۰۰ نفر راهب فرانسیسکن، ۱۶۷۰ نفر راهب دومینیکن، ۴۷۰ نفر راهب آگوستینی، ۳۰۰ نفر راهب مرسداریو، ۳۵۰ نفر ژزوئیت و ۵۰ نفر کارملیت در مناطق فتح‌شده حضور داشتند. هزینه‌های رفت‌وآمد و استقرار این راهبان براساس تعهدی که دربار به پاپ داده بود، پرداخت می‌شد. در سال ۱۵۸۶م پادشاه «فیلیپ دوم» تصمیم به ایجاد یک شورایی برای مدیریت یک‌پارچه جریان‌های رهبانی گرفت. پیروی از مصوبات شورا برای فرقه‌ها الزامی بود. فرقه‌ها در مقابل این شورا دو عکس‌العمل متفاوت داشتند: برخی فرقه‌ها با تبعیت از مصوبات این شورا توانستند با استفاده از قدرت پادشاه اسپانیا بقیه فرقه‌ها را مهار کنند و فعالیت‌های خود را به صورت حداکثری توسعه دهند، مانند فرانسیسکن‌ها؛ برخی دیگر از فرقه‌ها مانند ژزوئیت‌ها با مصوبات شورا مخالفت می‌کردند و به همین دلیل از نفوذ و آزادی عمل کمتری در مناطق بومی برخوردار بودند (همان، ص ۵۳۳). در ادامه با بررسی اجمالی فعالیت‌های برخی از فرقه‌های مؤثر در مسیحی‌سازی سرخ‌پوستان می‌توانیم به تحلیل عمیق‌تری از شاخصه‌های عمومی و اختصاصی آنها دست پیدا کنیم.

**فرقه فرانسیسکن:** نخستین گروه از راهبان فرانسیسکن در ۱۵۰۰م وارد سانتو دومینگو (نخستین جزیره فتح‌شده) شدند و مسیحی‌سازی را آغاز کردند. با زیاد شدن راهبان فرانسیسکن در این منطقه، اولین تشکل رسمی کلیسایی در ۱۵۰۵م ایجاد شد.

گروه در آمریکای لاتین تبلیغ دانشگاهی را محور فعالیت‌های خود قرار دادند (همان، ص ۵۵۵).

**فرقه مرسداریو:** به علت نفوذ رهبران این فرقه در حوزه نظامی، توانستند موفقیت‌های زیادی در مسیحی‌سازی سرخ‌پوستان به دست آورند (همان، ص ۵۵۶). راهب مرسداریو «بارتولومه دِ اولمدو» (fary bartolome de olmedo) یکی از سرداران سپاه فاتحان اسپانیایی مکزیک و از همراهان «هرنان کورتس» بود. فعالیت خود را در شهر سانتو دومینگو در ۱۵۱۴م آغاز کرد و در سال ۱۵۳۸م به گواتمالا و در ۱۵۳۶م به شهر لیما و در ۱۵۹۰م به شهر آسونسیون در پاراگوئه و توکمان آرژانتین و در ۱۶۳۹م به شهر پارا در برزیل توسعه داد.

**فرقه ژزوئیت:** ژزوئیت‌ها در ۱۵۶۷م در پرو و در ۱۵۷۳م در مکزیک فعالیت‌های تبلیغی خود را آغاز کردند. این فرقه یک تشکیلات نظام‌مند و برنامه‌محور داشت. شاخصه اصلی آنها آموزش همگانی و سازندگی بود، به همین علت سعی می‌کردند عمق فعالیت‌های خود را به روستاهای کوچک بومیان توسعه بدهند. ژزوئیت‌ها برای تمرکز دادن به فعالیت‌های خود طبق مصوبه دربار، روستاهایی را با محوریت کلیسا ایجاد کردند که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی و سیاسی تحت حمایت حکومت اسپانیا بودند. با اسکان دادن بومیان در این مناطق و حمایت کردن معنوی و اقتصادی از آنها، زمینه پذیرش مسیحیت را برای آنها فراهم می‌کردند. نخست در منطقه گوارانی پاراگوئه این طرح را پیاده کردند. مهم‌ترین این مراکز که در اوائل قرن ۱۷ در دست ژزوئیت‌ها بود، صد مرکز روستایی را مدیریت می‌کرد. ژزوئیت‌ها توانمندسازی بومیان را دستور کار خود قرار داده بودند؛ از یک طرف به آنها قدرت خواندن و نوشتن یاد دادند و از طرف دیگر دانش کشاورزی و دام‌پروری و صنعت را به آنها آموختند و زمینه فروش و تبادلات تجاری محصولات آنها را فراهم کردند (پندل، ۱۳۵۷، ص ۵۶). البته ژزوئیت‌ها علی‌رغم فعالیت‌های منظم و منسجمی که در منطقه داشتند، نتوانستند مانند فرانسیسکان‌ها آثار چشم‌گیری در مسیحی‌سازی بومیان داشته باشند. برخی محققان ریشه اصلی این عدم موفقیت را، نگاه انتقادی ژزوئیت‌ها به برخی از سیاست‌های پادشاهان اسپانیا در مناطق فتح‌شده می‌دانند (دوسل، ۱۹۹۲م، ص ۵۵۳).

نتیجه آنکه فرقه‌های رهبانی توانستند با استفاده از حمایت سیاسی، نظامی و مالی پادشاهان اسپانیا به منطقه آمریکای لاتین

(ب) ایجاد صومعه‌ها و مراکز علمی: به نسبت نفوذی که فرانسیسکان‌ها در دربار اسپانیا نسبت به فرقه‌های دیگر رهبانی پیدا کرده بودند، قدرت حضور و فعالیت آنها نسبت به دیگر فرقه‌های در این مناطق بیشتر بود و به همین علت توانستند صومعه‌ها و مراکز علمی و دانشگاهی زیادی ایجاد کنند. فرانسیسکان‌ها در پایان قرن ۱۷م، ۸۰ صومعه در منطقه مکزیک، ۵۴ صومعه در منطقه میچوآکان، ۲۲ صومعه در گواتمالا، ۲۲ صومعه در یوکاتان و ۱۲ صومعه در نیکاراگوئه داشتند (دوسل، ۱۹۹۲م، ص ۵۵۳).

**فرقه دومینیکن:** دومینیکن‌ها بعد از فرانسیسکان‌ها وارد این مناطق شدند، فعالیت‌های تبلیغی را از سال ۱۵۱۰م در جزیره کوبا شروع کردند و بعد فعالیت‌ها را در ۱۵۲۰ به منطقه کومانا (cumana) در ونزوئلا و در ۱۵۲۶م به منطقه مکزیک و در ۱۵۳۱م به مناطق پرو و پاناما توسعه دادند (همان، ص ۵۵۵). فرقه دومینیکن مانند فرقه فرانسیسکان‌ها در مسیحی‌سازی سرخ‌پوستان لاتینی نقش مهمی داشتند و این نقش ریشه در نوع رویکردی بود که انتخاب کرده بودند. مشکل اساسی مسیحی‌سازی که دومینیکن‌ها با آن روبه‌رو بودند، مسئله بدرفتاری فاتحان با سرخ‌پوستان بود؛ به همین دلیل آنها رویکرد دفاع از حقوق سرخ‌پوستان در مقابل فاتحان را اتخاذ کردند که خود زمینه جذب حداکثری بومیان به این فرقه بود. مبلغان دومینیکن با رهبری آنتونیو دِ موتسینو (۱۵۰۹م) (Antonio de Montesinos)، پسر کوردوبا (۱۵۰۹م) (pedro de cirdoba 1474-1564)، بارتولومه دلاس کاساس (۱۵۱۰م) (fray bartolome de las casas 1474-1564) و توماس دِ برلانگا (۱۵۱۰م) (fray tomas de Berlanga 1487-1551) تلاش‌های زیادی برای تغییر رفتار فاتحان انجام دادند. از آنجا که دومینیکن‌ها کشیشان و واعظان دربار بودند، هم کار تبلیغی می‌کردند و هم مسئولیت هماهنگی و نظارت بر فرقه‌های رهبانی را برعهده داشتند و به علت نفوذی که در دربار داشتند توانستند از حقوق سرخ‌پوستان دفاع و از نسل‌کشی آنها جلوگیری کنند (همان، ص ۵۳۳).

**فرقه آگوستینی:** فرقه آگوستینی در ۱۵۳۲م به مناطقی از مکزیک وارد شدند و فعالیت‌های تبلیغی خود را در ۱۵۷۵م به منطقه کیتو در اکوادور و در ۱۵۷۶م به کلمبیا و در ۱۵۹۵م به شیلی گسترش دادند. شاخصه اصلی این فرقه، رویکرد نخبگانی بود که در پیش گرفتند. اعضای اصلی این فرقه از نخبگان اسپانیا بودند و به همین علت از گروه‌های رهبانی تأثیرگذار در دربار اسپانیا بودند. این

اتخاذ کردند. خانم *اولین اندروهیل*، یک عرفان‌پژوه مسیحی، دربارهٔ ویژگی عارفان مسیحی می‌گوید: «ویژگی عارفان اسپانیایی خلق و خوبی شدیداً زهدگرا و عمل‌گرا و روحیهٔ ستیزه‌جوی ایشان است. نوعی نگرش به واقعیت که مجال اندکی برای عاطفه‌گرایی دینی باقی می‌گذارند؛ نوعی گرایش که هرگاه اصول حیات معنوی مورد قبول واقع گردد، باید به هر قیمت ممکن، آن اصول را به غایت منطبق‌شان رساند» (اندروهیل، ۱۳۸۴، ص ۲۲۴). با مطالعهٔ حیات مبلغان و قدیسان فرقه‌های متعدد رهبانی می‌توان ویژگی‌های مشترک ممتازی را برشمرد که در مسیحی‌سازی بومیان سرخپوست نقش محوری داشتند. «زهدگرایی» (فیگورس، ۲۰۰۷م، ص ۳۷۸-۳۷۹)، «عمل‌گرایی و سخت‌کوشی» (دوسل، ۱۹۹۲م، ص ۶۱۳)، «اخلاق‌گرایی» (بازان، ۱۹۹۹م، ص ۲۶۰-۲۶۳)، «استقامت و صبر» (اسپنسر، ۱۹۷۴م، ص ۲۰-۲۲)، «آرمان‌گرایی» (کابانیا، ۱۹۶۸م، ص ۱۷۷)، «کرامت‌محوری و باطن‌گرایی» (ولارده، ۱۹۹۰م، ص ۴۳)، «شجاعت و روحیهٔ جهادی» (بورگس، ۱۹۷۵م، ص ۲۶۸) و «ایثار و گذشت» (گومز، ۱۹۸۸م، ص ۵۳-۵۵) از شاخصه‌های کلی مشترک بین مبلغان فرقه‌های رهبانی بود.

۲. **اجلاس‌سبیه‌ها:** در این دوران اجلاس‌سبیه‌ها و شوراهای متعددی توسط اسقفان فرقه‌های متعدد در مناطق پرو و مکزیک شکل گرفت که در گسترش و تثبیت مسیحیت در مناطق فتح‌شده نقش اساسی داشت. نتیجه و خروجی این شوراهای درحقیقت سند و نقشهٔ راه مبلغان در بومی‌سازی مسیحیت در آمریکای لاتین بود. تحلیل محتوی این شوراهای تصویر دقیق‌تری از نقش آنها در تثبیت کلیسا، برای ارائه در این نوشتار به برخی از مهم‌ترین اجلاس‌سبیه‌ها اشاره می‌کنیم.

اجلاس اسقفی مکزیک در (۱۵۳۹م): این اجلاس‌سبیه در ۲۷ آوریل برگزار شد؛ نمایندگان فرقه‌های رهبانی در کنار اسقف اعظم مکزیک «خوان سومارگا» در این اجلاس‌سبیه حضور داشتند. در این اجلاس به دو مسئله در زمینهٔ مسیحی‌سازی سرخ‌پوستان تأکید شده است: یکی مسئلهٔ غسل تعمید افراد بالغ است؛ که طبق این بند، غسل تعمید افراد بالغ به‌صورت گروهی مورد تأیید و اتیکان قرار دارد و مسئلهٔ دوم، امکان مسیحی‌سازی سرخ‌پوستان است. این بند، سرخ‌پوستان را دارای روح انسانی می‌داند؛ به‌همین دلیل آنها قابلیت پذیرش ایمان مسیحی را دارند (انریکه دوسل، ۱۹۹۲، ص ۱۰۲-۱۰۹).

اجلاس اسقفی مکزیک در (۱۵۵۵م): این اجلاس در ۲۹

وارد شوند و مسیحی‌سازی را انجام دهند. فرقه‌ها رویکردهای مشترک و متفاوتی در مسیحی‌سازی اتخاذ کردند. در میان رویکردهای مشترک «الزامی بودن پذیرش مسیحیت بعد از آموزش» (دوسل، ۱۹۹۲م، ص ۱۰۴)، «توجه به مسئلهٔ تغییر زبان»، «تبلیغ گروهی» (انریکه دوسل، ۱۹۹۲م، ص ۹۳-۹۵)، «خدمات اجتماعی‌محور» (بورخس، ۱۹۷۵م، ج ۴، ص ۲۸۱۴)، «کار تشکیلاتی» (انریکه دوسل، ۱۹۹۲م، ص ۱۰۲-۱۰۹)، «توجه به مسئلهٔ آموزش» (انریکه دوسل، ۱۹۹۲م، ص ۱۰۴)، «مسیحی‌سازی محیط زندگی» (فیکراس، ۲۰۰۷م، ص ۳۷۸-۳۷۹)، «مبارزه با سنت‌های سرخ‌پوستان» (سپتینسر، ۱۹۴۷م، ص ۲۰-۲۲) از اهمیت چشم‌گیری برخوردار است. در میان رویکردهای متفاوت، «دفاع از حقوق طبیعی سرخ‌پوستان» (بسکوچا، ۲۰۱۱م، ص ۲۴۴-۲۴۶)، «تمرکزگرایی قبایل سرخپوستی» (پریتو، ۲۰۱۱م، ص ۶۳-۶۹)، «توجه به نیازهای طبیعی» (هرناندز، ۲۰۰۴م، ص ۱۶-۲۵)، «حفظ ارزش‌های تمدنی و بومی» (بورخه، ۱۹۷۵م، ص ۲۸۱۴) قابل ملاحظه است. به‌نظر می‌آید برخی از تفاوت رویکردها نیز به تفاوت محیطی و بومی منطقه‌ها برمی‌گشت. مثلاً در برخی مناطق به‌علت پراکندگی زیاد چاره‌ای جز متمرکز کردن بومیان در روستاهای ساخته‌شده و حمایت از آنها نبود.

بنابراین راهبان فرقه‌های مختلف که تحت حمایت پادشاهان کاتولیک بودند، توانستند با حضور در مناطق مختلف و درگیر شدن با محیط و تأسیس شوراهایی برای اتخاذ مصوبات تبلیغی متناسب با محیط مورد نظر، مسیحی‌سازی را انجام بدهند. نکتهٔ اصلی اینکه ورود مبلغان به‌صورت حداکثری در مناطق فتح‌شده زمینهٔ شکل‌گیری جوامع کلیسایی را فراهم کرد. با گسترش مسیحیت در شهرها، مبلغان و فرقه‌های رهبانی بودند که با استمرار برنامه‌های تبلیغی و آموزشی خود، زمینهٔ گسترش و تثبیت مسیحیت را در این مناطق فراهم کردند. علاوه بر رویکردهای فرقه‌های رهبانی، ویژگی‌های شخصیتی و تبلیغی مبلغان فرقه‌های رهبانی نیز یکی از عوامل مهم در مسیحی‌سازی مسیحیان بود. نوع مبلغان مسیحی تحت تأثیر عارفان بزرگ مسیحی در قرن ۱۵ و ۱۶ مانند *ایگناسیو لویول* (Ignacio de Loyola (1491-1556)، *ترسا آویلا* (santa trresa de Avila (1515-1582) و *یوحنای صلیبی* (an juan de la cruz (1542-1591) رویکرد عرفانی در تبلیغ خود

مسیحی‌سازی نیاز به یک وحدت رویه بین گروه‌های مختلف تبلیغی داشت که شوراها نقش محوری هماهنگی را بر عهده گرفتند. به همین جهت یکی از اهداف شوراها شناسایی موانع مسیحی‌سازی در منطقه و رفع آنها بود. نکته حائز اهمیت اینکه همه شوراها و اجلاس‌های اسقفی در مناطق فتح‌شده (نه در اسپانیا) برگزار شد. پاپ‌ها با فرستادن نمایندگان در شوراها حضور داشتند. در پایان به شوراها و اجلاس‌هایی که در قرون اولیه در سرزمین‌های فتح‌شده، برگزار شده اشاره می‌کنیم (همان، ص ۱۰۶).

زمان	مکان	نوبت	رئیس شورا
۱۵۵۲-۱۵۵۱	لیما	I	Jeronimo de loaysa (خرونیمو د لویاسا)
۱۵۵۵	مکزیک	I	Alonso de Montufar (آلونسو د مونتوفار)
۱۵۶۵	مکزیک	II	Alonso de Montufar (آلونسو د مونتوفار)
۱۵۵۸-۱۵۶۷	لیما	II	Jeronimo de loaysa (خرونیمو د لویاسا)
۱۵۸۳-۱۵۸۲	لیما	III	Toribio de Mogrovejo (توریبو د موگروخو)
۱۵۸۵	مکزیک	III	Pedro Moya de Contreras (پدرو مویا د کنتراراس)
۱۵۹۱	لیما	IV	Toribio de Mogrovejo (توریبو د موگروخو)
۱۶۰۱	لیما	V	Toribio de Mogrovejo (توریبو د موگروخو)
۱۶۲۲	ساتو دومینگو (دومینیکن)	I	Pedro de Oviedo (پدرو د اویدو)
۱۶۲۵	ساتافه (مکزیک)	I	Remando Arias de Ugarte (رماندو آریاس د آگارتیه)
۱۶۲۹	لاپلاتا (آرژانتین)	I	Remando Arias de Ugarte (رماندو آریاس د آگارتیه)
۱۷۷۱	مکزیک	IV	Francisco de lorenzana (فرانسیسکو د لورنسانا)

#### عوامل غیر مستقیم در گسترش و تثبیت کلیسای کاتولیک

۱. نقش پادشاهان اسپانیا: برای فهم نقش پادشاهان اسپانیایی باید نسبت آنها را با پاپ و کلیسا بررسی کنیم. در سال ۱۴۵۵ م برای نخستین بار پاپ «کالیکستو سوم» (CALIXTO III) از کشور اسپانیا انتخاب شد و به ریاست کلیسای کاتولیک رسید. کالیکستو نقش مهمی در تأیید پادشاهان اسپانیا داشت. تأیید پادشاه توسط پاپ

ژوئن برگزار شد و درحقیقت نخستین اجلاس رسمی واتیکان بود که با حضور نماینده پاپ و اسقف دومینیکن «آلونسو مونتوفار» (Alonso de Montufar) برگزار شد. مصوبات این اجلاس در قالب ۹۳ بند ذکر شده است. محتوای بندها در زمینه مسئله چگونگی مسیحی‌سازی سرخ‌پوستان است. مثلاً در بند ۶۹ به ضرورت ترجمه کتاب‌ها تبلیغی به زبان‌های بومی اشاره شده است. بند ۷۳ در گسترش مسیحی‌سازی حائز اهمیت است. طبق این بند اگر سرخ‌پوستان بخواهند از حقوق شهروندی خود استفاده کنند، باید اولاً مسیحی شوند و ثانیاً از قبائل سرخپوستی جدا و به جوامع کلیسایی بپیوندند.

اجلاس اسقفی مکزیکی در (۱۵۸۹م): این اجلاس در ۲۷ اکتبر با حضور نمایندگان همه فرقه‌های رهبانی تشکیل شد. مصوبات این شورا مورد تأیید پاپ «سیکستو پنجم» (Sixto V) قرار گرفت. مصوبات - این مصوبات برای نخستین بار در ۱۶۲۲ م به چاپ رسیده است - این شورا به مدت سیصد سال به صورت رسمی نقشه راه کلیسای کاتولیک مناطق فتح‌شده را بر عهده گرفت (همان، ص ۱۰۵). یکی از بندهای مهم این مصوبه مشخص کردن اختیارات فرقه‌های رهبانی بوده است. طبق این مصوبه فرقه‌های رهبانی بدون هماهنگی با کلیسای اسقف مرکزی نمی‌توانند برنامه مستقلی را اجرا کنند. این مصوبه در انسجام دادن به مسئله تبلیغ و مسیحی‌سازی سرخ‌پوستان نقش مهمی داشت.

اجلاس اسقفی پرو در (۱۵۶۷-۱۵۶۸م): این شورا در شهر لیما برگزار شد. اجباری نبودن غسل تعمید یکی از بندهای مهم این شورا بود که به تصویب اسقف مرکزی رسید و طبق این مصوبه هیچ فرقه رهبانی حق ندارد یک سرخ‌پوست را برخلاف میلش غسل تعمید دهد (همان، ص ۱۰۵).

اجلاس اسقفی پرو در (۱۵۸۳-۱۵۸۲م): این اجلاس توسط نماینده پاپ و اسقف لیما «فدیس توریبو» انجام گرفت. پاپ «سیکستو پنجم» در ۱۵۸۸ م مصوبات این اجلاس را تأیید کرد (همان، ص ۱۰۶). طبق یکی از بندهای آن، برخلاف نظر برخی از کشیشانی که معتقد بودند فقط سفیدپوستان اسپانیایی می‌توانند کشیش شوند، تأکید می‌کند که سرخ‌پوستان نیز می‌توانند کشیش شوند.

با توجه به مصوباتی که در اجلاس‌ها تصویب شده است، می‌توان به یک اصل کلی دست پیدا کرد و آن اراده و عزم پاپ برای مسیحی‌سازی حداکثری سرزمین‌های فتح‌شده، بوده است.

مصوبه‌ای تصویب می‌کرد، اعتباری نداشت و حکم ملغی می‌شد. برای نمونه می‌توان به نقص مصوبه شواری اسقفی در سال ۱۵۸۹م اشاره کرد. طبق این اجلاس که با حضور نماینده پاپ «سیکستو پنجم» در مکزیک شکل گرفت، بر منع بردگی گرفتن سرخپوستان و کار اجباری آنان تأکید شده بود؛ در حالی که پادشاه این مصوبه را عملی نکرد. پادشاه اسپانیا برای هماهنگی و مدیریت فعالیت‌های دینی کلیساها و فرقه‌های مسیحی قوانین نظارتی صادر کرد که در بخشی از آن «در بند ۹۳» آمده است:

«به همه مسئولان کلیسایی و استانداران و فرمانداران محلی فرمان می‌دهیم که برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به روحانیون در مراکز دینی تلاش کنند. همه رؤسای صومعه‌های رهبانی باید آمار دقیق مبلغان، محل‌های استقرار و اهداف فرقه‌های رهبانی خود را به فرمانداران محلی اعلام کنند» (۵۳۷-۵۳۸). با توجه به این مسئله، حکومت اسپانیا دو رسالت در آمریکای لاتین را برای خود تعریف کرده بود؛ یکی فتح سرزمینی مناطق آمریکای لاتین و دیگری مسیحی‌سازی بومیان این مناطق بود.

**۲. نقش پاپ‌های واتیکان:** در بین عواملی که در مسیحی‌سازی مناطق فتح‌شده آمریکای لاتین نقش بی‌بدیلی داشت، حمایت پاپ‌های کاتولیک از فرقه‌ها و مبلغان رهبانی بود. پاپ‌های واتیکان با حمایت از پادشاهان اسپانیا زمینه توسعه قدرت آنها را فراهم کردند (کوژادو، ۲۰۰۷م، ص ۱۷۱). به همین علت پادشاهان اسپانیا در طول دوره مسیحی‌سازی سرخپوستان حمایت سیاسی و مالی خود را از گروه‌های تبلیغی و رهبانی دریغ نکردند. فاتحین در قالب گروه‌های تبلیغی رزمی که از طرف حکومت اسپانیا به سمت آمریکای لاتین روانه می‌شدند؛ به همین اعتبار می‌توان تاریخ ورود (۱۴۹۲م) مسیحیت کاتولیک به آمریکای لاتین را برابر با ورود فاتحین دانست (انریکه دوسل، ۱۹۹۲م، ص ۹۱-۹۳). نمایندگان پاپ‌ها زیر نظر مستقیم و با هماهنگی حکومت اسپانیا وارد این سرزمین‌ها می‌شدند و فعالیت‌های خود را انجام می‌دادند. مثلاً در سال ۱۵۸۶م پادشاه «فیلیپ دوم» تصمیم به ایجاد تمرکز در اداره فرقه‌های رهبانی تحت نظر شورای مستعمرات دربار گرفت (همان، ص ۵۵۴). پاپ‌های اسپانیا با یک نگاه تعاملی، به همه فرقه‌های رهبانی کاتولیک اجازه ورود به مناطق فتح‌شده و شرکت در

موجب اعتبار دینی و جایگاه اجتماعی ویژه‌ای برای پادشاهان اسپانیا شد. به همین دلیل از یک طرف کلیسای کاتولیک مورد حمایت پادشاه قرار گرفت و توانست با همکاری آنها حکومت یک‌پارچه کاتولیک را در اسپانیا در دوم ژانویه ۱۴۹۲م برپا کند و درحقیقت دوره پادشاهان کاتولیک نقطه عطفی در تاریخ مسیحیت کاتولیک اسپانیا بود؛ چون در همین دوران بود که آخرین قلعه مسلمانان در اندلس فتح و مسیحیت تثبیت شد (بروجوف، ۲۰۰۳م، ص ۸۵)؛ و از طرف دیگر پادشاه، مورد حمایت و همکاری کلیسا و مسیحیان قرار گرفت؛ به گونه‌ای که کلیسای کاتولیک در طول سه قرن، از حق شرعی پادشاهان کاتولیک برای حکومت بر اسپانیا دفاع کردند (هرینگ، ۱۹۴۷، ص ۱۷۹). پادشاهان کاتولیک و کشیشان معتقد به دین حداکثری کاتولیک بودند. تا قرن نوزدهم و فتح اسپانیا توسط ناپلئون، پادشاه و طبقه روحانیون درباری اجازه هیچ نوع نوگرایی و اصلاحات مذهبی را نمی‌دادند (اورگا، ۱۹۷۸م، ص ۶۷). به همین منظور دادگاه تفتیش عقاید (گارسیا کارسل، ۱۹۹۷م، ص ۲۷۲) ایجاد کردند تا یهودیان و مسلمانان بومی اسپانیایی را شناسایی و حذف کنند (کوانس، ۲۰۰۳م، ص ۲۵-۲۰). با توجه به رابطه وثیقی که بین کلیسای کاتولیک و پادشاهان اسپانیا شکل گرفت، پادشاهان اسپانیا حمایت کلیسا و پاپ را در توسعه مناطق تحت نفوذ خود مانند آمریکای لاتین داشتند و در مقابل پادشاهان از فعالیت‌های مبلغان در گسترش کلیسای کاتولیک در مناطق فتح‌شده حمایت مالی و سیاسی می‌کردند. براساس دستور پاپ «بولای/ایتتر کاتتر/» (Bula inter caetera) در سال ۱۴۵۶ تمام امور تبلیغی و مسیحی‌سازی مناطق فتح‌شده مانند انتخاب مبلغان و اعزام آنها، بر عهده پادشاه اسپانیا بود (مچام، ۱۹۶۶م، ص ۴). اختیارات دینی پادشاه اسپانیا در سال ۱۵۲۳م توسط پاپ «آدریان ششم» (Adrián VI 1522-) (1523) به اوج خود رسید. براین اساس از یک طرف اداره همه کلیساهای آمریکای لاتین به امپراتور اسپانیا داده شد (باریو، ۲۰۱۰م، ص ۲۵۹)؛ و از طرف دیگر ساخت کلیساها، بیمارستان‌ها و خیریه‌ها و مراکز آموزشی، تشکیل مجامع کلیسایی و شوراهای اسقفی با نظارت پادشاه اسپانیا انجام می‌گرفت. به علت اینکه مناطق فتح‌شده به پادشاه واگذار شده بود، اسقف‌ها نیز باید مورد تأیید پادشاه قرار می‌گرفتند؛ به همین علت اگر واتیکان بدون هماهنگی با پادشاه اسپانیا، برای سرزمین‌های فتح‌شده اسقف مشخص می‌کرد و یا

طرفی قابلیت الگو شدن برای مبلغین اسلامی دارند، عبارت‌اند از: رویکرد خدمات اجتماعی محور، رویکرد سازندگی، روش تبلیغ گروهی، روش استقرار طولانی مبلغ در محیط تبلیغ و جزئی از هویت اجتماعی آنها شدن.

۳. مسیحیت در بدو ورود با نگاه صرفاً مسیحی‌سازی وارد منطقه شد و به کمک نیروی نظامی توانست در منطقه نفوذ کند، ولی تثبیت کلیسا از زمانی شروع شد که برخی از فرقه‌ها رویکرد تعاملی با سرخ‌پوستان اتخاذ کردند و به فرهنگ و اندیشه آنها احترام گذاشتند و از حقوق طبیعی آنها دفاع کردند. مبلغان اسلامی نیز باید با رویکرد تعاملی با سرخ‌پوستان و مردمان آمریکای لاتین جایگاه خود را در منطقه تثبیت کنند. انسان لاتینی نباید احساس کند که مسلمانان هم به دنبال استعمار آنها و تحمیل اسلام بر ذهن و روح آنها هستند، بلکه باید با نگاه تعاملی، اسلام را به عنوان الگوی کامل زندگی به انسان لاتینی ارائه دهند. ما مشترکات زیادی با ادیان بومی - سرخ‌پوستی و مسیحیت تثبیت‌شده در آمریکای لاتین داریم که می‌توانیم با تعامل بر سر مشترکات، کارهای مثبت زیادی برای انسان لاتینی انجام دهیم. همین تعامل سبب ساختن یک تصویر صحیح از اسلام و مسلمان در منطقه خواهد شد.

۴. به علت ویژگی‌های جغرافیایی، تبلیغ در جنگل‌ها و محیط طبیعی آمریکای لاتین برای مسیحیان در قرن ۱۶ و ۱۷ بسیار سخت بوده است، اما آنها توانستند با همه سختی‌ها به اهداف خود دست پیدا کنند. محققین علت موفقیت راه، ویژگی‌های خاص مبلغان می‌دانند که برخی از آنها عبارت‌اند از: زهدگرایی، عمل‌گرایی، ایثار، شجاعت، استقامت، آرمان‌گرایی، اخلاق‌محوری از ویژگی‌هایی است که برای آنها ذکر شده است. این ویژگی‌ها برای مبلغان اسلامی نیز ضرورت دارد. قطعاً در محیط امروز آمریکای لاتین یک مبلغ اسلامی بدون داشتن صفات اخلاقی چون زهدگرایی، شجاع، ایثار، استقامت و تقوا نمی‌تواند موفق باشد و به اهداف تبلیغی خود برسد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به دوران حیات مسیحیت کاتولیک در آمریکای لاتین می‌توان آن را به سه دوره ورود کلیسای کاتولیک، تثبیت و گسترش کلیسای کاتولیک و تضعیف کلیسای کاتولیکی تقسیم کرد. عوامل

مسیحی‌سازی بومیان را دادند (همان، ص ۵۳۸). فرقه‌های رهبانی علی‌رغم اشتراکاتی که داشتند از رویکردها و روش‌های مختلفی در مسیحی‌سازی استفاده می‌کردند. پاپ با این رویکرد حداکثری توانست از همه ظرفیت‌های تبلیغی رهبانی در مسیر مسیحیت‌سازی بومیان استفاده کند. پاپ‌ها در کنار حکومت اسپانیا نقش نظارتی و مراقبتی خود در مسئله مسیحی‌سازی ایفا می‌کردند و به همین منظور از اجلاس‌های اسقفی که در مناطق فتح‌شده برگزار می‌شد، حمایت می‌کردند (همان، ص ۱۰۴) و نمایندگانی را برای حضور در این اجلاس‌ها می‌فرستادند. مثلاً نخستین اجلاس رسمی واتیکان با فراخوان عمومی مبلغان مکزیک با حضور نماینده پاپ «لونسو موتوفار» در ۲۹ ژوئن ۱۵۵۵م در مکزیک برگزار شد (همان، ص ۱۰۴).

### مسئله تثبیت کلیسا و بصیرت‌های آن نسبت به تبلیغ اسلام

مطالعه علل و عواملی که سبب تثبیت کلیسا در منطقه آمریکای لاتین شده، بصیرت‌ها و رهیافت‌های متعددی در جهت تبلیغ اسلام در منطقه آمریکای لاتین ارائه می‌دهد. در این نوشتار به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تبلیغ مسیحیت به صورت حداکثری بدون حمایت‌های سیاسی و اقتصادی حکومت اسپانیا قابل تحقق نبود. حکومت پادشاهی از همه فرقه‌های رهبانی از لحاظ مالی و سیاسی و امنیتی حمایت کرد. تبلیغ حداکثری اسلام در آمریکای لاتین نیز بدون حمایت حکومت‌های اسلامی قابل تحقق نیست. حکومت‌های اسلامی باید از همه ظرفیت‌های تعاملی با حکومت‌های سکولار منطقه آمریکای لاتین، برای تبلیغ چهره واقعی اسلام استفاده کنند. دیپلماسی دینی فقط با پشتوانه حکومت‌ها، قدرت نفوذ و تثبیت در این مناطق را دارد.

۲. فرقه‌های رهبانی مسیحیت به جهت تفاوت فرهنگ‌ها و اقلیم‌ها در آمریکای لاتین از همه رویکردهای تبلیغی استفاده می‌کردند. مبلغین اسلامی نیز باید از همه روش‌ها و رویکردهای تبلیغی استفاده کنند و به یک رویکرد که تبلیغ گفتمانی است اکتفا نکنند. برخی از رویکردها و روش‌هایی که مبلغین مسیحی در سه قرن آنها را تجربه کردند و تأثیرات مثبت و قابل قبولی داشتند و از



## منابع

- اندروهیل، اولین، ۱۳۸۴، *عارفان مسیحی*، ترجمه احمدرضا مؤیدی و حمید محمودیان، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.
- پندل، جورج، ۱۳۵۷، *تاریخ آمریکای لاتین*، ترجمه منوچهر پوریان خیر، تهران، اردیبهشت.
- Barrio gózaló, Maximiliano, 2010, *el clero: en España moderna*, córdoba, Publisher Csic-san Pablo.
- Ballan. Romeo, 1991, *Bernardino de Sahagún: precursor de la etnografía. Misioneros de la primera hora, grandes evangelizadores del nuevo mundo*, Perú, lima.
- Beascochea, Ana de Zaballa, 2011, *los indios, el derecho canónico y la justicia eclesiástica en la América virreinal iberoamericana*, España, Madrid -Frankfurt: Vervuert.
- Borges, pedro, 1975, *juan de Zumárraga, diccionario de historia eclesiástica de España*, España Madrid instituto enrique Flórez.
- Collado, Ángel Fernández, 2007, *Historia de la iglesia en españa. Edad moderna*, Salamanca, editor instituto teológico san Ildefonso.
- Cabaña, Joaquín Ramirez.Cfr, 1968, *la edición mexicana de la historia*, mexico, editorial porrua.
- De Dalmases, cándido, 1991, *obras de san Ignacio de Loyola, España*, Madrid, editorial BAC.
- Dussel, enrique, 1992, *Historia de la iglesia en américa latino medio milenio de colonijaje y liberación (1492-1992)*, españa Madrid: mundo negro- esquila misional.
- Dussel enrique, 1992, *Historia de la iglesia en américa latina, introducción general*, España, Madrid, mundo negro- esquila misional.
- Deiros, Pablo Alberto, 1992, *Historia del cristianismo en America Latina*, Argentina, Buenos Aires: fratrnidad teologica latinoamericana.
- Edet Uya, Okon, 1987, *Historia de la esclavitud negra en las América y el caribe*, argentina, buenos Aires: editorial claridad.
- Figueras Valles, 2007, *Estrella, Las contradicciones de la conquista Española en américa: el requerimiento y la evangelización en castilla del oro*, España, huelva: la universidad de Huelva.
- Gomez canedo, 1988, *lino, fray Toribio motolinia, en pioneros de la cruz en México*, España, Madrid, BAC popular90.
- García Cárcel, Ricardo, 1997, *la leyenda negra, España*, Barcelona, Altaya.
- Hernández, Francisco Martin, 2004, *don vasco de Quiroga, protector de los indios*, España, Salamanca, universidad pontificia de Salamanca.
- Huerga, Álvaro, 1978, *Historio de los Alumbrados 1570\_1630*, España, Madrid: fundación universitaria Española.
- Spencer, 1947, *Rafael aguay leal y Antonio castro, don fray juan de Zumárraga*, primer obispo y arzobispo de México, editorial Porrúa.
- Velarde, Héctor, 1990, *ITINERARIOS DE LIMA, iglesia y santuario de santa posa, 2th edición*, Perú de lima, patronato de lima.
- Boruchoff, David, 2003, *Isabel la Católica, Queen of Castile*, U.S. A. New York, Palgrave Macrimillan.
- Currier, 2003, *Charles Warren, history of religious orders*, U.S.A, New York, Kissinger publishing.
- Cowan's, Jon, 2003, *Early modern Spain's documentary histogram*, S, Pennsylvania University of Pennsylvania press.
- Haring, Clarence, 1947, *Henry, and Spanish Empire in America*, U.S.A. and New York, Oxford University Press.
- Mecham, john Lloyd, 1966, *church and state in Latin America*, University of North Carolina Press.
- Prieto, Andres I., 2011, *Missionary Scientist a Jesuit Science in Spanish South America 1570- 1810*, Nashville, University Press.

مختلفی در تثبیت کلیسا و گسترش مسیحی‌سازی در قرن‌های ۱۶ و ۱۷ وجود دارد. فرقه‌های رهبانی و اجلاسیه‌ها به‌صورت مستقیم و حمایت پادشاهان اسپانیا و پاپ‌ها به‌صورت غیرمستقیم در تثبیت کلیسا و مسیحی‌سازی نقش داشتند. اتخاذ رویکردهای مناسب، در کنار ویژگی‌های برجسته مبلغان؛ مانند «زهدگرایی، عمل‌گرایی، ایثار، شجاعت، استقامت، آرمان‌گرایی، اخلاق‌محوری»، علت اصلی بومی‌سازی مسیحیت در مناطق فتح‌شده بود. فرقه‌ها رویکردهای مشترک و متفاوتی در مسیحی‌سازی سرخ‌پوستان اتخاذ کردند. در میان رویکردهای مشترک، «الزامی بودن پذیرش مسیحیت بعد از آموزش»، «توجه به مسئله تغییر زبان»، «تبلیغ گروهی»، «خدمات اجتماعی‌محور»، «کار تشکیلاتی»، «توجه به مسئله آموزش»، «مسیحی‌سازی محیط زندگی» و «مبارزه با سنت‌های سرخ‌پوستان» از اهمیت چشم‌گیری برخوردار است. در میان رویکردهای متفاوت، «دفاع از حقوق طبیعی سرخ‌پوستان»، «تمرکزگرایی قبایل سرخپوستی»، «توجه به نیازهای طبیعی» و «حفظ ارزش‌های تمدنی و بومی» قابل ملاحظه است. در کنار فعالیت‌های میدانی و تبلیغی مبلغان و فرقه‌های رهبانی، اجلاسیه‌ها نیز نقش مهمی داشتند. اجلاسیه‌ها از یک طرف نقش نظارتی بین همه فرقه‌های رهبانی را ایفا کردند؛ و از طرف دیگر با شناختن عوامل و رفع موانع تبلیغ در مناطق فتح‌شده، راه‌های بومی‌سازی مسیحیت را هموار می‌کردند. پاپ‌ها و پادشاهان نیز به‌عنوان دو عامل مؤثر نقش محوری در مسیحی‌سازی و تثبیت کلیسا در مناطق فتح‌شده داشتند. با مشروعیت بخشیدن به قدرت پادشاهان از طرف کلیسا یک ارتباط وثیقی بین پاپ‌ها و کلیساها شکل گرفت و همین امر سبب حمایت‌های مادی، سیاسی و نظامی چشم‌گیری از طرف پادشاهان برای تثبیت کلیسا در مناطق فتح‌شده بود. بنابراین پاپ‌ها از یک طرف با حمایت از پادشاهان اسپانیا و حمایت از اجلاسیه‌های اسقفی در مناطق فتح‌شده؛ و از طرف دیگر با حمایت از همه گروه‌های مسیحیت کاتولیکی، نقش محوری در مسیحی‌سازی و تثبیت کلیسای کاتولیک داشتند. به‌عبارت‌دیگر، پاپ‌ها با مدیریت کردن قدرت پادشاهان و فرقه‌های مذهبی توانستند کلیسای کاتولیک را در مناطق سرخ‌پوستی تثبیت کنند.